

## تحلیلی بر فرصت‌ها و چالش‌های تولید دانش مدیریت در نظام آموزش عالی ایران

پروین مهدی\* و زینت زارع\*\*

### چکیده

این تحقیق با هدف بررسی فرصت‌ها و چالش‌های تولید و توسعه دانش مدیریت در نظام آموزش عالی ایران در رشته مدیریت انجام شد. در این تحقیق پس از مرور ادبیات موضوعی با استفاده از روش دلفی با اجماع میان اساتید و متخصصان مدیریت، ۱۹ عامل تحت عنوان فرصت‌ها و چالش‌های تولید دانش مدیریت شناسایی شد و عواملی نظیر وجود نیروی جوان و مستعد در حوزه مدیریت، حمایت مسئولان عالی کشور از تولید دانش بومی، پذیرش زیاد دانشگاهی در رشته مدیریت، ارزش‌های دینی در ایران و... به عنوان فرصت‌های تولید دانش در کشور معرفی شدند. همچنین عواملی نظیر تغییرات مداوم در حوزه علوم انسانی، وجود موانع زیاد بوروکراسی در تحقیق و توسعه در علوم مدیریت در ایران، عدم ثبات رویه در رفتارهای انسانی در حوزه علوم انسانی، عدم همخوانی بین تئوری‌های مدیریت با جهان بینی اسلامی، توجه بی‌اندازه به تئوری‌های غربی، تحریم‌های بین‌المللی و دسترسی نداشتن به منابع مختلف و... به عنوان چالش‌های تولید دانش مدیریت در کشور ایران شناسایی شد. در انتها پیشنهاداتی برای غلبه بر چالش‌ها و تبدیل آن‌ها به فرصت‌های تولید دانش مدیریت ارائه شد.

### کلید واژه‌ها:

تولید دانش؛ فرصت؛ چالش؛ موانع ذاتی؛ موانع عرضی

## مقدمه

بررسی روند توسعه کشورهای پیشرفته نشان‌دهنده آن است که این کشورها به اهمیت و جایگاه تولید علم کاملاً واقف بوده و برای تحقق آن به برنامه‌ریزی‌های استراتژیک متوسل شده‌اند. بدون تردید کشور ما نیز برای تحقق اهداف سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، می‌بایست تولید علم را محور برنامه‌های توسعه خود قرار دهد (جاوید، ۱۳۸۹).

از طرفی رشته مدیریت از جمله رشته‌های علوم انسانی است که به دلیل اهمیت آن در مسائل مدیریتی و رهبری سازمان‌ها و جوامع از اهمیت ویژه‌ای بهره‌مند است و توجه صاحب‌نظران و دانشمندان زیادی را به خود جلب کرده است. در این میان تولید دانش در ایران همواره با موانعی مواجه بوده که رشته مدیریت از این حیث مستثنی نبوده است. اهمیت رشته مدیریت در امر زمامداری و نیز در امر مدیریت سازمان‌ها و لزوم بازنگری در مبانی مدیریت غربی، موجب شده است تا تولید دانش در رشته مدیریت از اهمیت ویژه‌ای بهره‌مند شود و شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های تولید دانش مدیریت ضرورت یابد. امروزه ضرورت پالایش رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به ویژه مدیریت در ایران، از طریق تولید دانش از مسائل اساسی محسوب می‌شود و نظام آموزش عالی کشور که متصدی تولید دانش است، بایستی اولویت خود را بر تولید دانش در این زمینه قرار دهد (جاوید ۱۳۸۹).

بدیهی است در حال حاضر تولید دانش در حوزه مدیریت، در کشور ما با نوعی کندی مواجه است، در حالی که تحولات سریع و شگرف در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و حرفه‌ای، مدیران امروز را با چالش‌ها و فرصت‌های متعددی مواجه ساخته است و مواجهه خردمندان با این چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌ها جز با یک نگاه تیزبین، موشکافانه و عالمانه ممکن نیست. زیرا پا به عصری نهاده‌ایم که نظریه و نظریه‌پردازی و به ویژه دانش حاصل از آن، در حل مسائل بشری اهمیت ویژه‌ای یافته است و لذا نظام‌های آموزش که تولید کننده دانش هستند از اهمیت زیادی بهره‌مند شده‌اند (حیدری، ۱۳۸۹).

مقاله حاضر، با توجه به مطالب مطرح شده، در صدد است به دو پرسش اساسی پاسخ دهد. (فرصت‌ها و چالش‌های تولید دانش در حوزه مدیریت کدام هستند؟) همچنین این

پژوهش ضمن تأکید بر ضرورت مشارکت و فعال شدن نهضت تولید دانش مدیریت در کشور، که شرط حیاتی برای حفظ و تقویت موجودیت، هویت و استقلال و اقتدار کشور است، در نهایت عواملی را تحلیل می‌کند که تحت‌عنوان فرصت‌ها و چالش‌های تولید و توسعه دانش مدیریت در نظام آموزش عالی کشور به دست آمده است.

**چالش‌های تولید دانش در ایران:** هنگامی که بحث توسعه‌نیافتگی علمی ایران مطرح می‌شود، عمدتاً نظرات به سمت مبانی توسعه اقتصادی معطوف می‌شود و زیر ساخت‌ها و برنامه‌های توسعه اقتصادی بلندمدت را اصل می‌دانند. برخی عمده‌ترین موانع توسعه‌نیافتگی ایران را موانع طراحی یا برنامه‌ای توسعه اجتماعی و تمرکزگرایی سیاسی و معرفتی می‌دانند و معتقد هستند که نوسازی امری وارداتی از غرب و متأثر از سرمایه‌داری و معارض با سنت‌های اجتماعی بوده است و با ورود به ایران در قالب ایدئولوژی تجلی یافته است و در نزد روشنفکران و سیاستمداران به ابزار برخورد با سنت‌های اجتماعی و فرهنگی بدل شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۹).

بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که در طراحی برنامه‌های توسعه در ایران، تاکنون زوایای گوناگون توسعه پیش‌بینی نشده و امکان انعطاف‌پذیری برنامه‌های مذکور در شرایط متفاوت و در برخورد با موانع نادیده گرفته شده است. این در حالی است که برنامه‌های توسعه باید با ملاحظه همه مؤلفه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و علمی جامعه تدوین و اجرا شوند.

در این خصوص باید به موارد زیر اشاره کرد:

الف- نبود برنامه جامع و مشخص و راهبردهای کلان علمی را می‌توان از جمله دلایل رکود علمی و توسعه‌نیافتگی کشور برشمرد.

یکی از عوامل مهم رکود علمی و عقب‌ماندگی ایران، فقدان استراتژی کلان تولید علم است. یعنی نمیدانیم چه می‌خواهیم و قرار است به کجا برسیم (همتی، ۱۳۸۶).

گلشنی (۱۳۸۵) نیز یکی از مشکلات کشور را نداشتن یک برنامه علمی مشخص در جامعه می‌داند؛ برنامه‌ای که باید براساس نیازها و مزیت‌های نسبی کشور و با در نظر گرفتن اولویت‌ها تدوین شود.

ب- بزرگ‌ترین چالش توسعه علم و فناوری را نبود یک کانون رهبری ملی به منظور برنامه‌ریزی بلندمدت و کلان برای توسعه علم و تکنولوژی در کشور و درگیرکردن همه طرف‌های تأثیرگذار در این خصوص می‌دانند.

- جدایی مراکز علمی از فرآیند توسعه ملی، یکی دیگر از معضلات جامعه ایران است.

محمد عبدالسلام، فیزیکدان شهیر جهان اسلام، در کتاب «تأکید خاصی بر توسعه علمی کشورهای در حال توسعه» مقدمه‌ای بر آموزش علوم و تکنولوژی در توسعه و به‌ویژه جنوب کشورهای اسلامی دارد. تأکیدهای او عمدتاً از نوعی است که در یک مدل توسعه دولت‌مدار می‌گنجد. او داشتن ایده‌های مطلوب و تصمیم به اجرای آن‌ها را کافی می‌داند و مهم‌ترین عوامل توسعه‌نیافتگی علمی در کشورها را چنین برشمرده است:

فقدان تعهد عمیق نسبت به علوم پایه و کاربردی، عدم تعهد نسبت به خود اتکایی در تکنولوژی، فقدان چارچوب بنیادی و قانونی، اداره فعالیت‌های علمی توسط دیوانسالاران و نه دانشمندان، سهم کم فعالیت‌های علمی از تولید ناخالص ملی، فقدان توجه به منزلت اجتماعی دانشمندان، نبود فضای علمی و صنعتی مطلوب، فرار مغزها، اهمیت ندادن به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، هماهنگ نبودن میزان پذیرش دانشجویان رشته‌های مختلف (دورینگ، ۱۳۸۲). بانکی (۱۳۸۵) در مسیر تولید دانش ۸ مانع را مؤثر می‌داند.

مهم‌ترین این موانع بدون در نظر گرفتن اولویت‌های ویژه از طرف او عبارت هستند از: فقدان یک سنت علمی دانشگاهی، فقدان فرهنگ اندیشه انتقادی، فقدان مبانی بنیادین اندیشه علمی، نقایص معرفتی ناظر بر تاریخ تحولات علمی، عدم ارتباط میان حوزه علم و حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی، نداشتن اطلاع کافی از حدود و ثغور پژوهش‌های علمی در اندیشه اسلامی، انتزاعی بودن افراطی علم و فقدان ارتباط آن با قلمروهای کاربردی و علمی، فقدان نگاه حرفه‌ای به معرفت.

همچنین وجود شکاف‌های فرهنگی و اجتماعی چون شکاف بین سنت و مدرنیسم، ضعف نظریه‌پردازی، فقدان معیارها و موازین جاافتاده برای درک منطقی دنیای جدید، ضعف حاکمیت نقد و گفت‌گوی انتقادی، حاکمیت دیوان‌سالاری در اداره دانشگاه‌ها، برخوردهای نامناسب با اصحاب اندیشه، ضعف خلاقیت، نوآوری علمی و روحیه پرسشگری، استفاده نکردن از دیدگاه‌های تخصصی به صورت نظام‌مند در زمینه‌های مختلف و نبود سنت علمی دانشگاهی، از



جمله دیگر دلایل توسعه‌نیافتگی علمی ایران ذکر شده‌اند.

دانایی فرد (۱۳۸۹) نیز منظور از مانع را هرگونه عامل سلبی و ایجابی می‌داند که سبب رکود و فتور در نوآوری علمی شود. تقسیم‌بندی‌های متفاوتی از موانع مطرح شده است. موانع انفسی و درونی؛ و موانع آفاتی و برونی از جمله این تقسیم‌بندی‌ها هستند. منظور از عوامل انفسی و درونی عوامل سلبی هستند که از خصایص و خصایل پژوهشگران برمی‌خیزند؛ به دیگر سخن، از وضعیت معرفتی، روحی و خلقی پژوهشگران ناشی می‌شوند. اما موانع آفاتی و برونی به موانعی اشاره می‌کنند که به پژوهشگر مربوط نمی‌شوند، بلکه به وضعیت‌های اجتماعی، مدیریتی، ساختاری، فرهنگی و مانند آن‌ها بازمی‌گردند. تقسیم‌بندی‌های دیگری نیز وجود دارد که از آن میان می‌توان به موانع ذاتی و موانع عرضی اشاره کرد (دانایی فرد، ۱۳۸۸).

#### ۱- موانع ذاتی

#### ۲- موانع عرضی (الف- موانع درون‌رشته‌ای؛ ب- موانع برون‌رشته‌ای)

### موانع ذاتی

**خاصیت هرمنوتیک دوگانهٔ ابژه مورد مطالعه در مدیریت:** ابژه محوری مورد مطالعه در مدیریت، انسان و نهادهای اجتماعی است. این ابژه با موضوع مورد مطالعه در رشته‌های علوم تجربی و طبیعی کاملاً متفاوت است. می‌داند که می‌داند، بنابراین، هستی آن شدنی است، نه بودنی (ویلموت، ۲۰۰۰)؛ یعنی پیوسته در حال شدن است، این ابژه، دانشی را که پژوهشگر دربارهٔ او تولید می‌کند، در اختیار می‌گیرد و می‌خواند، یا از آن آگاهی کسب می‌کند. کسب این آگاهی در نوع رفتارش متجلی می‌شود. بنابراین، مدام رفتارش را تغییر می‌دهد. از این رو، به نظم و نسق درآوردن رفتار چنین ابژه‌ای دشوار و گاهی ناممکن است. هرمنوتیک دوگانه به همین خاصیت اشاره دارد. پدیده‌های غیرانسانی، خاصیت تک هرمنوتیکی دارند.

**آزمایشگاهی نبودن ابژه مورد مطالعه در مدیریت:** در تولید دانش مدیریت آن پیوند تنگاتنگ بین پژوهشگر و ابژه مورد مطالعه الزامی است. در رشتهٔ شیمی می‌توان انواع مواد را در یک آزمایشگاه مطالعه کرد، به ترکیب و تجزیهٔ آن‌ها توجه کرد و به کسب مجوز برای

استفاده از آن‌ها نیاز نیست، یک استاد در این حوزه‌ها می‌تواند سالیانه تعداد زیادی مقاله ISI تولید کند، ولی ابژه مورد مطالعه پژوهشگران مدیریت، انسان و نهادهای اجتماعی است که نمی‌توان آن را روی میز مطالعه گذاشت و تجزیه، تحلیل و ترکیب کرد. پدیده مورد آزمایش رشته مدیریت را، به عنوان یکی از گرایش‌های مدیریت، نمی‌توان به سرعت به چنگ آورد و تحلیل کرد. بنابراین، پژوهشگر علوم پایه در یک دوره چندماهه، چند ده مقاله ISI به فصلنامه‌های دنیا ارسال می‌کند، ولی پژوهشگر مدیریت کماکان مجوز ورود به محل پژوهش دریافت نکرده است. حتی وقتی مجوز ورود به سازمان داده شود، بنا به خاصیت هرمنوتیک دوگانه رفتار انسان، برخلاف آنچه در واقعیت عمل می‌کنند، به پرسش‌ها پاسخ می‌دهند یا پرسشنامه را پر می‌کنند. بر این اساس، اگر پژوهش‌ها در مدیریت صبغه مسئله‌محوری بیش‌تری داشته باشند، کندی تولید علم در مدیریت ذاتی است، اما به گفته بولدینگ، دانش تابعی از انسان و سازمان‌های اجتماعی است و در خلأ رخ نمی‌دهد (بولدینگ، ۱۹۵۷).

## موانع عرضی

**موانع درون حوزه‌ای:** ۱- ضعف در نیروی انسانی علمی - دانشگاهی آموزشی و پژوهشی؛

۲- فقدان محافل علمی - پژوهشی در گرایش‌های مدیریت؛ ۳- فقر روش‌شناسی و اختناق روش‌شناسانه در مدیریت

**آموزش بی‌کفایتی علمی - دانشگاهی:** مرتن، جامعه‌شناس بزرگ امریکایی، در نقد بوروکراسی به کاربرد مفهوم «بی‌کفایتی آموزش داده شده» و بلن اشاره می‌کند (مرتون روبرت، ۲۰۰۷).

در تحلیل این پدیده در بوروکراسی، مرتن مدعی است که بوروکراسی از بوروکرات شخصیتی بی‌کفایت می‌سازد، زیرا با آموزش‌های خاص نوعی بی‌کفایتی به او می‌آموزد. به بوروکرات می‌آموزد در هر شرایطی از نوعی قانون و مقررات خاص بهره گیرد. اگر شرایط خاصی پیش آید که نتواند با آن قانون و مقررات آن را مدیریت کند، بی‌کفایتی بوروکراتیک آشکار می‌شود. سیستم بوروکراسی با آموزش در عمل (کاربرد قوانین و مقررات و اطاعت محض از آن‌ها) فردی بی‌کفایت می‌سازد که نمی‌تواند نوآور و خلاق باشد. این پدیده در

گرایش‌های مدیریت نیز یافت می‌شود. استاد خطی می‌اندیشید و به «استاد پاورپوینتی» تبدیل شده است و دانشجو نیز چنین است. به علت تعلیمات، در عمل استاد جرأت (در برخی از موارد توان) طرح ایده‌ای ندارد. «نمی‌گوید به اعتقاد من»، «به نظر من»، «این چارچوب را من داده‌ام». در عوض این گفتمان در محافل مدیریت حاکم است که مگر ایرانی می‌تواند نظریه ارائه دهد؛ چگونه نظریه او در عالم آزمون شده است؛ آیا اعتبارسنجی شده است و جز این‌ها.

### ریاکاری پژوهش: پژوهش‌های تزئینی و طنازی پژوهشی

#### دشمنی‌ورزی با دانش غیرباورسازی برای بی‌مصرف بودن کامل دانش مدیریت دیگر کشورها

تردیدی نیست که دانش، متأثر از بستر حاکم بر آن است. بسیاری از صاحب‌نظران بر اهمیت دانش بومی تأکید کرده‌اند (کاگان و فیلیپ، ۱۹۵۸؛ استارکی و مادان، ۲۰۰۱).

در گرایش‌های مدیریت در کشور سال‌هاست نوعی نزاع درون رشته‌ای بر سر مصرف یا مصرف‌نکردن دانش غیر، به چشم می‌خورد. عده‌ای معتقدند آنچه در کشورهای دیگر تولید می‌شود، نمی‌تواند به کار آید، از این رو حامیان این دانش را تخطئه می‌کنند. ترجمه متون مدیریت را بی‌ثمر می‌دانند و مدعی هستند باید بر دانسته‌های ایرانی - ملی خود تکیه کرد؛ فرمول دیگر کشورها به کار ما نمی‌آید. اما نکته حایز اهمیت آن است که دانش در ذات خود ادعا ندارد که بومی یک کشور یا محل خاصی است؛ بومی بودن یک دانش دلالت بر عدم کاربرد مطلق آن در دیگر کشورها ندارد. این دانش منتشر می‌شود و ممکن است در شرایطی دانش تولیدشده در خارج ایران در روستایی در آبیجان به کار آید. کشمکش با دانش به دلیل آن که در کشور ما تولید نشده است، چندان عقلایی نیست. نکته مهمی که این دسته افراد به آن بی‌توجه هستند، آن است که تصور می‌کنند دانش جهان شمول است، در صورتی که برخی از صاحب‌نظران (ناموگامی، ۱۹۹۸) معتقدند پذیرش یک نوع دانش، نه به سبب جهان شمولی آن است، بلکه گاه باور می‌کنیم که نوع خاصی از دانش مفید به نظر می‌آید و مدام آن را به کار می‌گیریم؛ اما این مداومت در به‌کارگیری دال بر جهان شمولی آن نیست. از سوی دیگر، علمی بودن یک دانش همواره ضامن پذیرش آن است، ابزار دیگری ممکن است ضامن پذیرش آن

باشد (هود و جکسون، ۱۹۹۴).

پذیرش خصوصی‌سازی در ایران دال بر علمی بودن آن نیست، بلکه سیاست‌های فعلی کشور این خط مشی را می‌پذیرد. این تفکر افراطی دشمن‌ورزی با غیر و بی‌مصرف جلوه دادن دانش مدیریت دیگر کشورها باعث شده است که بسیاری از مبانی فلسفی و عملی این دانش که در قالب کتاب‌ها و مقاله‌ها عرضه می‌شود، مورد بی‌اعتنایی قرار گیرد. افراطی‌گری برخی از آن‌ها چنان در شماری از سیاست‌های آموزشی و پژوهشی متجلی شده است که ترجمه یک کتاب ارزشمند غیرایرانی را در زمره امور اجرایی می‌دانند تا یک کار علمی. این تفکر در حد افراطی می‌تواند مانع ایجاد کند، اگرچه طرح دیدگاه‌های منطقی مبتنی بر تولید دانش ملی - بومی واقعیتی انکارناپذیر است که باید مورد اهتمام جدی قرار گیرد.

#### غیردوستی و غریبه‌پرستی: بی‌اعتقادی به تولیدات داخلی

شاید به برخی از افراد بتوان خرده گرفت که ادعای دانش بومی یا بومی کردن دانش، ادعای درستی نیست. دانش در نفس خود نمی‌تواند بومی نگه داشته شود. دانش تولیدی هر کشور به مثابه قطره‌ای است که در اقیانوس نیلگون علم و دانش بشری ریخته می‌شود. تنها فن است که می‌توان آن را نگهداری کرد و به دیگران نداد. اما علم در مسیر اصلی خود جریان دارد و هرکسی می‌تواند این علم را به فناوری لازم تبدیل کند و برای خود نگه دارد. اگرچه در عصر کنونی نگاه داشتن بسیاری از فناوری‌ها نیز دشوار است. ولی استفاده نکردن از مآخذ خارجی در یک مقاله ایرانی همیشه دال بر بی‌اعتباری آن نیست. مزین کردن رساله، مقاله یا کتاب به مآخذ غیرایرانی برای کسب اعتبار، غیردوستی و غریبه‌پرستی را به ذهن متبادر می‌کند. بنابراین، انگیزه و غیرت تولید علمی داخلی را در درون پژوهشگران مدیریت کشور در نطفه خفه می‌کند. در مدیریت این نگاه متداول است، اگرچه کمبود مآخذ داخلی به این رویکرد دامن زده است، ولی جامعه علمی مدیریت قدرت تشخیص چندانی برای تمیز تولید داخلی و خارجی ندارد و بسیاری باور ندارند و باور نمی‌کنند که ایرانی یک ایده، چارچوب مفهومی و نظریه اولیه به دست داده است.

از این رو، هر آنچه را نوشته شود، ترجمه تلقی می‌کنند، زیرا نه خود نوشته‌اند و نه به دانشجویان آموخته‌اند چگونه بنویسند. بسیاری از گرایش‌ها در مدیریت به «حکمت رشته‌ای»



نایل نشده‌اند، هنوز استادان و دانشجویان جسارت نیافته‌اند از طریق حکمت خود بنویسند و همیشه برای گفتن یک جمله از عبارت به قول، به گفته و ... بهره می‌گیرند. اگرچه مستند سخن گفتن مفید است، ولی در عصر متزلزل بودن دانش جهان شمول، صرف اتکاء به نقل قول این و آن و دچار شدن در «استبداد واژگان و منابع علمی موجود» روح خلاقیت و نوآوری را می‌آزارد و تولید علم نظری را با کندی مواجه می‌کند.

### پاسداری از روش‌شناسی به جای ارتقاء محتوای فکری پژوهش‌ها

واژه علم چه در قاموس علوم طبیعی، چه در علوم اجتماعی با واژه روش‌شناسی و شیوه پژوهش گره خورده است. اگرچه مفهوم علم در دانش اجتماعی با آنچه در علوم طبیعی مطرح است، متفاوت به نظر می‌رسد (لاورنس، ۲۰۰۰). در واقع علمی بودن یک دانش به روش‌شناسی تولید آن دانش بستگی دارد، اما در حوزه مدیریت بسیاری از دانش‌های نظری به قاموس روش نمی‌آید. از این رو، برخی از صاحب‌نظران منکر روش‌شناسی نظریه‌پردازی هستند (هود و جکسون، ۱۹۹۴).

### موانع فراحوزه‌ای

#### گسست بین تاریخ علمی ملی - دینی و توانمندی‌های فعلی

یکی از موانع عرضی محیطی که در قلمروی موانع فرهنگی قرار می‌گیرد، ولی می‌توان آن را به نفس مدیریت آموزش و پژوهش ملی نیز پیوند داد، فقدان پیوند بین داشته‌های پیشین و پتانسیل‌های فعلی است. در نگاه جامعه‌شناسان به علم الاجتماع گفته می‌شود علم اجتماعی، علمی که به صورت اجتماعی و در بستر تاریخ ساخته می‌شود، دانش اجتماعی متأثر از پیشینه فرهنگی، ایدئولوژیک و ملیت و نژاد و قوم است. مطالعات فراتئوریک (کاگان و فیلیپ، ۱۹۹۸) که بر انعکاس‌گری و نقد مبانی دانش بشری استوار است، بر گفته‌های بالا صحنه گذاشته است. از یک طرف تاریخ این کشور آکنده از دانش مدیریت است. از این رو، مأخذ بسیار معتبری در حوزه مدیریت در این کشور وجود دارد که مضمول مرور زمان شده است.

استادان و دانشجویان گرایش‌های مدیریت، با این مأخذ آشنایی ندارند، چون مشی علمی

کشور دانش غیر را روا دانسته است. بی تردید، نباید با دانش غیر، دشمن‌ورزی کرد، ولی نباید هم تسلیم محض آن شد. گسست بین این داشته‌ها با آنچه اکنون استادان و دانشجویان می‌خوانند و می‌نویسند، یکی از موانع تولید دانش محسوب می‌شود. از سوی دیگر، حاکمیت دین مبین اسلام در ایران، کتاب اصلی راهنمای بشر یعنی قرآن و نهج البلاغه علی (ع) و دیگر مأخذ دانشی حقیقی برای تکامل بشر در اختیار ایرانیان قرار داده است. متأسفانه، این دروس فقط در حوزه‌های علمیه تعلیم داده می‌شوند و دانشگاه از آن چندان بهره نمی‌برد.

### تنزل جسارت در تولید نظریه ملی

«ترس از انتقاد» از صاحب‌نظران بوروکراتیک و راهبرد «نگذار بشود» از جانب ارزیابان و داوران و «خفه‌شدن جسارت در اظهارنظر» اعتماد به نفس آکادمیک محافل علمی مدیریت را مخدوش ساخته است. لرزان بودن مبانی دانش پیشین افراد و بی‌اطلاعی از وضعیت فعلی، دانش جسارت ملی را سلب کرده است. این امر گه‌گاه به «سکوت آکادمیک» در محافل علمی انجامیده است. بسیاری از افراد نیز صرفاً به کلاس می‌روند و از سر رفع تکلیف، پژوهش‌ها و در نهایت مقاله‌هایی تدوین می‌کنند، گوشه‌گیری آکادمیک اختیار کنند و راهبرد «گلیم خود از آب کشیدن» را در پیش می‌گیرند. همه این موارد به فقدان اعتماد به نفس ملی برمی‌گردد که خلاف باور «ایرانی می‌تواند» است. این مانع عرضی که می‌تواند در زمره موانع فرهنگی قرار گیرد، بر فضای درون و برون «محافل تولید علم مدیریت» تأثیرگذار است.

جست و جوی قهرمان و پیرپرستی افراطی، قحطی گفتمان و تضارب آراء (مچ‌گیری ناآگاهانه) از دیگر موانع عرضی تولید دانش مدیریت در کشور است (دانایی فرد، ۱۳۸۹).

در این مقاله نیز عواملی که به عنوان فرصت‌ها و چالش‌های تولید دانش مدیریت از طریق روش دلفی به دست آمد با مبانی نظری همخوانی داشته و به صورت مدل زیر ارزیابی شد.

تغییر رفتار و تغییرات مداوم در حوزه علوم انسانی، وجود موانع زیاد بروکراسی در تحقیق و توسعه در علوم مدیریت در ایران، عدم ثبات رویه در رفتارهای انسانی در حوزه علوم انسانی، عدم آزمایش پذیر بودن رفتارهای انسان در حوزه علوم انسانی، عدم همخوانی بین تئوریهای مدیریت با جهان بینی اسلامی، عدم نظارت دولت بر پیشبرد تولید دانش، عدم آموزش مناسب دانشجویان در دانشگاه، عدم استفاده از روش تدریس مناسب در جهت تولید دانش، برگزاری نامناسب و کم محافل و انجمن های علمی، عدم تسلط محققان و اساتید کشورمان با روش تحقیق در مدیریت، عدم ارزیابی مناسب اساتید در رشته مدیریت بر تولید دانش، توجه به کمیت بجای کیفیت در تولید دانش و مقالات مدیریتی، توجه بی اندازه به تئوری های غربی، عدم وجود رابطه و تعاملات سازنده بین استاد و دانشجو، عدم توجه دانشجویان رتبه های بالای گروههای تجربی و ریاضی در کشور به رشته مدیریت، تحریم های بین المللی و عدم دسترسی به منابع مختلف

چالشها

### تولید دانش مدیریت

فرصت‌ها

وجود نیروی جوان و مستعد در حوزه مدیریت  
 ، حمایت رهبر معظم انقلاب از تولید دانش  
 بومی، پذیرش زیاد دانشگاهی در رشته  
 مدیریت، سرمایه گذاری دولت در بخش تولید  
 علم، سیاستهای دولتی وزارت علوم محرک  
 تولید دانش، ارزشهای دینی اسلامی در ایران

### روش

همان‌طور که ذکر شد به تبع ماهیت پژوهش که یک پژوهش توصیفی-اکتشافی بود، با بررسی و مشاوره با استادان و صاحب‌نظران، از روش دلفی استفاده شد. سپس بعد از اجرای این روش

و با استفاده از نتایج روش دلفی، پرسشنامه دوم تدوین شد تا به ارزیابی مسائل مرتبط با تولید دانش اقدام کنیم که برای این کار از آزمون‌های آماری نظیر آزمون علامت و آزمون فریدمن استفاده شد.

با توجه به ادبیات روش دلفی، که نظر خبرگان را برای تصمیم‌گیری کافی می‌داند، نمونه‌گیری از جامعه مذکور معنی نداشت و در این مورد نمونه آماری با جامعه آماری برابر بود.

شایان ذکر است که در جامعه آماری، منظور از خبرگان، اساتید دانشگاه و دانشجویان دکتری بودند که سابقه تحقیق و پژوهش مناسبی داشتند.

### یافته‌ها

برای اجرای پژوهش، ابتدا با مطالعه منابع کتابخانه‌ای، موارد و سؤالات مهم در تولید دانش مدیریت تهیه و در قالب ۱۹ سؤال باز در پرسشنامه اول مطرح شد و در اختیار خبرگان قرار گرفت.

سپس نتایج این پرسشنامه‌ها دسته‌بندی شد و بار دیگر همان پرسشنامه به همراه نتایج قبلی در اختیار همان خبرگان قرار گرفت تا ضمن اینکه از نظرات بقیه افراد، آگاه می‌شوند، بار دیگر نظر خود را درباره سؤالات مطرح کنند. بعد از این مرحله دوباره نتایج بررسی و دسته‌بندی شد. در این مرحله نظرات افراد نسبت به مرحله قبل، از همگرایی بیش‌تری بهره‌مند شد. سپس بار دیگر همان پرسشنامه به همراه نظرات سایرین در اختیار خبرگان قرار گرفت، و از آن‌ها خواسته شد که ضمن در نظر داشتن نظرات سایر خبرگان، به سؤالات پاسخ دهند. در این مرحله پس از بررسی نظرات افراد، یک هم‌فکری نسبی بین آن‌ها ایجاد شد. ۱۹ عامل به عنوان فرصت‌ها و چالش‌های تولید دانش مدیریت شناسایی شد. در اینجا روش دلفی مختوم شد. سپس نتایج حاصله در پرسشنامه دوم و به صورت بسته طراحی شد و از طریق آزمون علامت و فریدمن ارزیابی شد و نتایج به شرح زیر و به تفکیک هر عامل به دست آمد. شایان ذکر است ۷ عامل اول به فرصت‌های تولید دانش اختصاص داشت و بقیه به چالش‌های تولید دانش مدیریت در کشور مربوط است.



**نتیجه آزمون علامت برای عامل اول:** وجود نیروی جوان و مستعد در حوزه مدیریت و علوم انسانی از فرصت‌های تولید دانش در رشته مدیریت است. این نتیجه نشان می‌دهد که استفاده از نیروهای مستعد می‌تواند تولید دانش مدیریت را افزایش دهد. به همین دلیل مسئولان و دست‌اندرکاران بایستی انگیزه‌های لازم برای جذب دانش‌آموزان نخبه و مستعد گرایش‌های ریاضی و تجربی (علوم انسانی تنها رتبه‌های پایین پذیرش می‌شوند) را در مقطع لیسانس و در مقطع تحصیلات تکمیلی نیز با سرمایه‌گذاری برای جذب و ایجاد علاقه‌مندی به رشته مدیریت فراهم آورند. نیروی جوان و مستعد از سرمایه‌های هر کشوری است و کشور ما با جمعیت نسبتاً جوانی که دارد، می‌تواند از این مزیت در جهت تولید دانش مدیریت استفاده کند.

**نتیجه آزمون علامت عامل دوم:** حمایت مسئولان عالی کشور از تولید دانش بومی در رشته علوم انسانی از فرصت‌های تولید دانش است. رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر همواره از تولید دانش بومی به‌ویژه در رشته‌های علوم انسانی حمایت کرده و معتقد هستند اگر ما دانش و فناوری بومی داشته باشیم، علی‌القاعده تولید ملی ما هم رشد خواهد کرد و به سرمنزل مقصود خواهیم رسید. این نگرش در رهبری انقلاب موجب دلگرمی مسئولان و دست‌اندرکاران تولید دانش خواهد بود و آن‌ها را از حمایت‌های ایشان دلگرم خواهد کرد.

**نتیجه آزمون علامت عامل سوم:** وجود اساتید خبره در رشته مدیریت باعث افزایش توان تولید دانش مدیریت در ایران است. رشته مدیریت در ایران اساتید خبره و صاحب‌نظری دارد. اساتید مدیریت ایران نظیر استاد الوانی، دکتر دانایی‌فرد، مرحوم میرزایی و اساتید بنام دیگر از سرمایه‌هایی هستند که وجود آن‌ها می‌تواند منبع رشد علمی برای رشته مدیریت فراهم آورد.

**نتیجه آزمون علامت چهارم:** نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری دولت در بخش تولید علم از فرصت‌های تولید علم در مدیریت است. سرمایه‌گذاری دولتی در بخش تولید دانش از اهم موارد است. دولت باید با سرمایه‌گذاری و حمایت از تولید دانش زمینه‌های لازم برای تولید علم مدیریت را فراهم آورد. البته در سال‌های اخیر از سرمایه‌گذاری در تولید دانش در کشور ما حمایت می‌شود. چنانکه رهبر انقلاب در سخنان خود فرمودند: سرمایه‌گذاری برای تولید

علم و برای نوآوری‌های علمی و برای پیشرفت علمی باید روزبه‌روز بیش‌تر شود؛ نباید کم شود. البته امروز حتی به اندازه‌ای که مثلاً کشور انگلیس یا ایتالیا یا فرانسه در اوائل ورودشان در عالم صنعت و علم، سرمایه‌گذاری می‌کردند، ما آنقدر سرمایه‌گذاری نمی‌کنیم، سرمایه‌گذاری ما کم‌تر است. هرچند ممکن است، سرمایه‌گذاری علمی باید بیش‌تر شود.

**نتیجه آزمون علامت پنجم:** سیاست‌های دولتی وزارت علوم محرک تولید دانش در رشته مدیریت نیست. اگرچه سرمایه‌گذاری دولتی در تولید دانش از فرصت‌های تولید علم به‌نظر می‌رسد، اما سیاست‌های بلند مدت دولت در حمایت از تولید دانش محرک تولید دانش نبوده است. فقدان تخصیص مناسب امکانات به رشته‌های مدیریتی، بودجه کم تحقیق و توسعه، عدم حمایت شرکت‌های دولتی از ایجاد دانش و به‌کارگیری دانش مدیریتی و تجاری‌سازی آن همگی موجب شده است تا سیاست‌های دولتی به عنوان یکی از چالش‌های تولید علم به‌نظر آید.

**نتیجه آزمون علامت ششم:** نشان می‌دهد ارزش‌های دینی اسلامی در ایران حمایت‌کننده تولید دانش در رشته مدیریت نیست. البته دین مبین اسلام همواره مدعی پیشرفت علمی مسلمانان بوده است، اما جدایی حوزه و دانشگاه در سال‌های اخیر و نبود تبادل علمی بین حوزه و دانشگاه موجب می‌شود تا دانشجویان و صاحب‌نظران خود را از حمایت دینی محروم بدانند.

**نتیجه آزمون علامت هفتم:** نشان می‌دهد پذیرش زیاد دانشگاهی در رشته مدیریت از فرصت‌های تولید دانش در رشته مدیریت نیست. پر واضح است که وجود دانشجویان زیاد در هر رشته نمی‌تواند تضمینی برای تولید علم در آن رشته باشد. توجه به کیفیت ورودی‌ها عامل تعیین‌کننده محصول نهایی است. همان‌طور که در نتایج قبلی مطرح شد، پذیرش دانشجویان مستعد و خبره می‌تواند نقش مهمی در تولید دانش در رشته مدیریت داشته باشد و کمیت آن‌ها عامل مهمی نیست.



**نتیجه آزمون علامت هشتم:** تغییر رفتار و تغییرات مداوم در حوزه علوم انسانی مانع از ایجاد دانش در رشته مدیریت نیست. رشته مدیریت از رشته‌های علوم انسانی است که مباحث مختلفی از جمله منابع انسانی، سازمان، ساختار، جامعه، فرهنگ، تکنولوژی و ابعاد انسانی و غیرانسانی زیادی را پوشش می‌دهد. به خاطر وجود زمینه‌های مختلف مطمئناً وجود تغییر رویه و رفتار در عامل انسانی در یک حوزه نمی‌تواند عامل تعیین کننده‌ای در تولید دانش در یک رشته باشد.

**نتیجه آزمون علامت نهم:** وجود موانع زیاد بوروکراسی در تحقیق و توسعه در علوم مدیریت در ایران از موانع تولید علم در ایران است. وجود مراکز تصمیم‌گیری زیاد درباره ایده‌های جدید و روند طولانی رسیدگی و بررسی ایده‌ها و عبور از کانال‌های مختلف برای محققان و صاحب‌نظران و نیاز به تأییدهای گوناگون موجب شده است تا روند تحقیق و توسعه با کندی مواجه شود و فعالیت‌های علمی وارد روند فرسایشی شود. عامل دهم به منظور رسیدن به پایایی مورد قبول حذف شد.

**نتیجه آزمون علامت یازدهم:** ناهمخوانی بین تئوری‌های مدیریت با جهان‌بینی اسلامی از موانع تولید دانش در رشته مدیریت نیست. تئوری‌های غربی مدیریت بر اساس فلسفه غربی و بر مبنای پارادایم‌های غربی است که نوعی تناقض با اصول اسلامی در آن مشاهده می‌شود. اما این تناقضات هیچگاه در راه تولید دانش مدیریت اسلامی، که بر مبنای پارادایم اسلامی است، مانعی نبوده و نخواهد بود. دانشی که بر اساس تعلیمات اسلامی و آموزه‌های اسلامی بوده و همواره مسیر پیشرفت را برای مسلمانان فراهم خواهد کرد.

**نتیجه آزمون علامت دوازدهم:** فقدان آموزش مناسب دانشجویان در دانشگاه در تولید دانش مدیریت از موانع تولید دانش در رشته مدیریت نیست. به عبارتی آموزش بخشی از تولید علم است و آموزش مناسب می‌تواند روند آن را تسهیل کند، اما دانشجویان مدیریت در ایران از آموزش‌های مناسب اساتید بهره‌مند بوده‌اند و هر چند از لحاظ امکانات آموزشی و دیگر موارد با محدودیت مواجه هستیم، اما هیچگاه این محدودیت‌ها مانعی بر تولید علم نبوده است.

چنانچه ایران در آخرین رتبه‌بندی تولید علم در جایگاه شانزدهم دنیا قرار داشته و از این حیث از کشور ترکیه سبقت گرفته است. سؤال سیزده پرسشنامه برای ایجاد پایایی مقبول حذف شد.

**نتیجه آزمون علامت چهاردهم:** برگزاری نامناسب و کم محافل و انجمن‌های علمی شامل اساتید و خبرگان، می‌تواند از موانع تولید علم در رشته مدیریت باشد. انجمن‌های علمی در رده‌های مختلف می‌تواند موجب هم‌اندیشی و تضارب آرا شود. اما وجود جلسات نامنظم و با فواصل طولانی نمی‌تواند عاملی برای ایجاد دانش مدیریت باشد.

**نتیجه آزمون علامت پانزدهم:** فقدان ارزیابی مناسب اساتید در رشته مدیریت بر تولید دانش از موانع تولید علم در رشته مدیریت است. ارزیابی علمی اساتید می‌تواند انگیزه‌های تحقیق و توسعه را برای آن‌ها فراهم آورد. اما نبود ارزیابی مناسب می‌تواند اساتید را وارد رکود علمی کند. رکود علمی و فقدان تحقیق و توسعه موجب می‌شود تولید دانش مدیریت با مشکل مواجه شود. استفاده از روش‌های مناسب ارزیابی می‌تواند انگیزه‌های لازم را برای اساتید علم مدیریت و صاحب‌نظران فراهم آورد.

**نتیجه آزمون علامت شانزدهم:** توجه به کمیت به جای کیفیت در تولید علم از موانع تولید علم در رشته مدیریت نیست. توجه به کمیت در بحث تولید دانش از موانع تولید دانش است. توجه به آمارهای مقالات ISI و تعداد مقالات چاپ شده نمی‌تواند عامل تعیین‌کننده تولید دانش باشد. استفاده از این رویکرد موجب می‌شود کیفیت دانش تحت تأثیر قرار گیرد. تولید دانش باید در جهت رفع محدودیت‌های داخلی و کمک به حل مشکلات باشد تا اثربخش باشد.

**نتیجه آزمون علامت هفدهم:** توجه بی‌اندازه به تئوری‌های غربی روند تولید دانش مدیریت را مختل نساخته است. استفاده از نتایج تحقیقات دانشمندان مدیریت خارجی و کاربردی کردن تئوری‌های آن‌ها می‌تواند مسیر تولید دانش در ایران را برای محققان کوتاه کند. تئوری‌های غربی اگرچه نوعی تولید دانش به حساب می‌آیند و مبنای پژوهش‌های علمی است، اما نوعی وابستگی به جهان‌بینی غربی در آن‌ها مشهود است. با وجود این، دانشمندان و محققان ایرانی با توجه به بهره‌گیری از پارادایم اسلامی توانسته‌اند به نظریه‌پردازی و تولید دانش در زمینه





مدیریت اسلامی و بر اساس آموزه‌های اسلام و به‌خصوص کتاب نهج البلاغه اقدام کنند و بحث جدید مدیریت اسلامی را به دنیا معرفی کنند.

**نتیجه آزمون علامت هیجدهم:** نبود رابطه و تعاملات سازنده بین استاد و دانشجو از موانع تولید علم در رشته مدیریت است. وجود رابطه و تعامل بین استاد و دانشجو موجب هم‌اندیشی و ایجاد انگیزه در دانشجویان باشد. توجه به انگیزه و خواسته دانشجویان و استادان و تبیین هر چه بیش‌تر آن می‌تواند در تولید دانش مرتبط اثربخش باشد. در همین راستا می‌بایست سطح فرهنگی و مهارتی استادان ارتقاء یابد تا خواسته‌هایشان از دانشجویان معقول‌تر باشد و همین اقدام نیز باید به نحو مقتضی برای دانشجویان برنامه‌ریزی و اجرا شود.

**نتیجه آزمون علامت نوزدهم:** تحریم‌های بین‌المللی و فقدان دسترسی به منابع مختلف به میزان زیادی روند تحقیق و پژوهش در تولید دانش مدیریت را دچار اختلال نکرده است. تحریم‌ها فرصتی برای رشد و تولید علم داخلی است. چرا که زمینه‌ها و انگیزه‌های مناسب برای تحقیق و توسعه را فراهم می‌آورد. وجود تحریم‌های بین‌المللی اگرچه در ظاهر نوعی محرومیت است، اما در باطن نوعی ایجاد فرصت و انگیزه برای خودکفایی و استفاده از دانش بومی است. به‌نحوی که دانشمندان علوم مدیریت خود درصدد رفع نیازهای ایجاد شده برآمده و همت و توان بیش‌تری را صرف تولید دانش برای رفع نیازهای داخلی و نه صرفاً دانش محض می‌کنند. بدین ترتیب کشور می‌تواند از تهدید نوعی فرصت را به‌دست آورده و تهدید را تبدیل به فرصت کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

در جهان رقابتی عصر حاضر، دانش مدیریت به عنوان ستاره راهنمای حرکت سازمان‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور محسوب می‌شود، چرا که بهره‌مندی از این دانش کلید حل مشکلات و زمینه ساز تبدیل چالش‌های به فرصت‌ها است. بنابراین، ارتقاء کیفی و کمی این حوزه از دانش بشری می‌تواند مسیر پیشرفت و توسعه عالمانه کشور را به سمت اهداف عالی آن هموار کند. همان‌طور که در این مقاله بیان شد، خلق این نوع از دانش در کشور ما به دلیل

وجود چالش‌هایی با نوعی کندی مواجه شده است. بر این اساس مقاله حاضر درصدد برآمد تا با تعیین فرصت‌ها و چالش‌های تولید دانش مدیریت در کشور، تأثیر هر یک از عوامل مذکور را بر فرایند خلق این نوع از دانش بررسی کند. چرا که هرگونه تحرکی در عرصه تولید دانش پیشاپیش مستلزم شناخت درست و دقیق فرصت‌ها و چالش‌های آن است و دانش مدیریت نیز از آن مستثنی نیست، در چهارچوب پژوهش، پیشنهادات کاربردی زیر نیز به‌منظور تبدیل چالش‌ها به فرصت مطرح می‌شود.

- عزم ملی و اراده در کشور به‌منظور ایجاد خود باوری ملی
- تغییر رویکرد در حوزه علمی و فناوری
- سیاستگذاری‌های مؤثر
- توجه به منزلت اجتماعی دانشمندان مدیریت
- استفاد به‌جا و درست از دانش و تجربیات سایر کشورها
- ارتقاء کیفی و کمی انجمن‌های علمی مدیریت

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی (۱۳۷۹). *اندیشه‌نوسازی در ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- جاوید، فاطمه (۱۳۸۹). *تأملی بر موانع اجتماعی پژوهش*، تهران: فقه‌سوس.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). *قومیت و نقطه نظرات انسان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه پرویز دلیرپور و سید محمدکمال سروریان در مطالعات قومی و نژادی در قرن بیستم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حیدری عبدی، احمد (۱۳۸۹). *موانع توسعه علمی در دوران معاصر*، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.
- دانایی فرد، حسن (۱۳۸۸). *تحلیلی بر موانع تولید دانش در حوزه علوم انسانی: رهنمودهایی برای ارتقاء کیفیت ظرفیت سیاست ملی علم ایران؛ فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست علم و فناوری؛ ۲(۱)، ۱-۱۶*.
- دورینگ، سایمون (۱۳۸۲). *مطالعات فرهنگی*، ترجمه نیما ملک محمدی و شهریار وقفی‌پور، تهران: تلخون.
- همتی، همایون (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی فرهنگی توسعه علمی*، شیراز: کانون فرهنگی رهپویان وصال.
- Boulding Kenneth E., 1956; General system theory the skeleton of science. *Management science*, 2(3): 197-208.
- Hood, C & Jackson, M. (1994). Keys for locks in administration argument. *Administration & society*, 25(4), 647-488.
- Kaghan, W & Phillips, N. (1998). Building the tower of Babel: Communities of practice and paradigmatic pluralism in organization studies. *Organization*, 5: 191-215.
- Merton, Robert K ( 2001.) Bureaucratic structure and personality. In Jaym. Shofritz and J. Steven Ott. *Classics of organization theory*. 103-112. New York.
- Neuman, W. Lawrence (2000). *Social research methods: Qualitative and quantitative approaches*. London: Allyn and Bacon.
- Starkey, K & Madan, p (2001). Bridging the relevance gap: Aligning stakeholders in the future of Miner, J. B. ,1984. *management research. British Journal of Management*, 12/Special issue: 53-526.



---

## **An Analysis of the Opportunities and Challenges of Management Knowledge Production in Higher Education of Iran**

---

Parvin Samadi<sup>1</sup>

Associate professor, Alzahra University, Tehran, Iran

Zinat Zare

MA in Educational Administration

### **Abstract**

The aim of this research was to analyze the opportunities and challenges of producing and developing management knowledge in Iran higher education in the field of management. After a review of the literature, a number of factors were identified as the opportunities and some other as challenges of producing management knowledge. Then, these factors were validated in an open-ended questionnaire which was given to 18 experts and professors of management major. In the first part of the questionnaire, factors were studied by Delphi method and after a consensus between the experts, 19 factors were identified. These factors included knowledge production opportunities like: talented young human resource in management area, support of the great leaders of local knowledge production, and governmental investment in science production field. Also challenges of management knowledge production were identified, such as: behavioral change and continuous changes in humanity science, presence of many bureaucracy obstacles in studying and development of management science in Iran, focus on quantity instead of quality in knowledge production and management articles, excessive focus on western theories, lack of constructive relationship and interaction between teachers and students, international prohibitions and limited access to various sources. The

---

<sup>1</sup>. samadi\_p600@yahoo.com



identified factors were then included in the questionnaire and it was distributed among experts. Data was analyzed using Friedman test and finally some factors were identified as opportunity and others were identified as the challenges for management knowledge production. At the end, some suggestions for overcoming challenges and increasing the production of management knowledge have been presented.

**Keywords**

*Opportunities; Challenges; Potential obstacles; Transverse obstacles; Management; Knowledge production; Paradigm*